

ترفندهای شیطانی در حوزه عمل اجتماعی



آفرینش حضرت آدم، ابلیس که از طایفه جن بود، نسبت به آن حضرت حسادت ورزید و به همین جهت به حضرت آدم سجده نکرد و به مخالفت با خداوند متعال پرداخت. او توانست با ترفند خویش حضرت آدم را به ترک اولی بکشاند و در ادامه نیز تاکنون، شیطان و شیاطین دشمنان شماره یک بشر بوده‌اند. در این مقاله نویسنده کوشیده است به ترفندهای شیطانی نگاهی اجمالی داشته باشد.

هنگام آفرینش حضرت آدم، ابلیس که از طایفه جن بود، نسبت به آن حضرت حسادت ورزید و به همین جهت به حضرت آدم سجده نکرد و به مخالفت با خداوند متعال پرداخت. او توانست با ترفند خویش حضرت آدم را به ترک اولی بکشاند و در ادامه نیز تاکنون، شیطان و شیاطین دشمنان شماره یک بشر بوده‌اند. در این مقاله نویسنده کوشیده است به ترفندهای شیطانی نگاهی اجمالی داشته باشد.

تفاوت میان ابلیس و شیطان

در تفکر عمومی، نوعی ترادف و هم معنایی میان دو واژه شیطان و ابلیس وجود دارد. از این رو برخی که کمتر به مباحث فرا مادی و یا فراحسی علاقمند هستند گرایش چندانی به طرح این مباحث نداشته و حاضر به مطالعه و بررسی آن نمی‌باشند. این دسته همانگونه که روح را به معنای روان و نفس می‌شناسند و تفاوت میان جان و روان نمی‌یابند در نگرش حسی گرایانه خود می‌کوشند تا مساله را به شکلی به امور حسی ارتباط دهند. البته در بینش اسلامی و حیاتی نفس به معنای روان روحی در درون کالبد مادی است. به این معنا که عنصری فرامادی و از عالم امر و الوهیت به نام روح و جان در هنگامی که در کالبد مادی قرار گیرد به نوعی با عنصر مادی ارتباط می‌یابد که می‌توان گفت که ماهیت متحول و دگرگونه‌ای یافته که از آن در آیات و حیاتی قرآن به نفس و در زبان پارسی به روان تعبیر می‌شود.

در بینش اسلامی تفاوت معناداری میان ابلیس و شیطان است. ابلیس نام موجودی از نوع خاصی به نام جن است. جن در تفکر و بینش موجودی مادی از ماده آتش است که می‌تواند در کاربردهای امروزی از آن به انرژی یاد کرد چنان که دخان در کاربردهای امروزی به عنوان گاز شناخته می‌شود. ابلیس همانند حضرت آدم از ماده است با این تفاوت که ابلیس از عناصر لطیف‌تر مادی یعنی عنصر آتش خالص (انرژی) و آدم از ماده و عنصر سخت‌تر به نام گِل (ترکیب آب و خاک) ساخته شده است. خداوند در آیه 208 سوره بقره به این سازوکار و تاکتیک شیاطین انسانی و جنی اشاره می‌کند و می‌فرماید: یا ایهاالذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه عدو مبین؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آرامش و صفا وارد شوید و گام‌های شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار است. اما شیطان نام خاص برای شخص و یا موجودی معین نمی‌باشد بلکه در بینش قرآنی به هر موجود سرکش و متمردی از انسان و جن و حیوان اطلاق می‌شود. (1) ولی از آن جایی که مصداق کامل و تمام شیطنت، ابلیس است در بیشتر اوقات او را اداره می‌کنند.

بنابر این سخن گفتن از وسوسه‌های شیطان و یا شیاطین به معنای هر کسی و یا هر چیزی است که می‌کوشند تا به روش‌های گوناگونی، آدمی را از مسیر تکاملی و رشدی بیرون رانده و به سمت و سوی شقاوت و بدبختی بکشاند. از این رو بیش از آن که به ابلیس توجه شود به انسان‌ها و بلکه به نفس و گرایش‌های مادی و هواهای آنها توجه می‌شود که نزدیک‌تر به آدمی هستند و می‌کوشند تا او را به گمراهی سوق دهند. شناخت دوست از دشمن و راه از چاه، نخستین گام برای دستیابی به کمال است؛ از این رو لازم است که دشمن و راه‌ها و ابزارها و وسوسه‌های او را شناخت تا در مسیر زندگی به درستی حرکت و گام برداشت.

ابزارهای شیطانی

بی گمان دشمن هر کس که باشد نخستین هدف خود را کاهش قدرت و توانمندی طرف مقابل خویش قرار می‌دهد؛ زیرا با بقای قدرت و توانمندی کم اصلاً نمی‌تواند به هدف خویش دست یابد که در نتیجه نابودی و یا دست کم تحت ولایت و فرمانبری شیطان قرار می‌گیرد. از این روست که می‌کوشد راه‌های نفوذ خود را شناسایی و با ضربه زدن به علل و عوامل قدرتی، او را به سوی سستی و ناتوانی سوق دهد. شیطان به عنوان هر دشمن نهان و آشکار آدمی از جن و انسان هدف خویش را تحلیل و توش و توان آدمی و یا جامعه بشری قرار می‌دهد. از این رو تلاش می‌کند که تا قوای درونی متحد شخص و یا جامعه را از هم تفکیک و جدا ساخته و زمینه‌های اختلاف را افزایش دهد.

خداوند در آیه 208 سوره بقره به این سازوکار و تاکتیک شیاطین انسانی و جنی اشاره می‌کند و می‌فرماید: یا ایهاالذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه عدو مبین؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آرامش و صفا وارد شوید و گام‌های شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار است. در این آیه به نکاتی چند توجه داده شده است.

انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء؛ شیطان می‌کوشد تا میان شما دشمنی و کینه‌توزی ایجاد کند.

بنابراین ایجاد بغض و کینه و دشمنی میان افراد جامعه و برادران ایمانی از مهم‌ترین روش‌هایی است که گروه‌های شیطانی و هم‌پیمانان با ابلیس از آن برای دستیابی به اهداف پلید خویش سود می‌برند.

- نخست این که مخاطب در این آیه جامعه ایمانی است که بر اساس اصول امتی، شهروندان هم‌هدفی را تشکیل می‌دهند و می‌خواهند به اهداف ایجاد جامعه خود دست یابند.

- نکته دیگر آن که اختلافات جزئی را نادیده بگیرند و با کنار گذاشتن آن سلامت جامعه و صلح و صفا را حفظ کنند و اختلافات را دامن نزنند.

- مهم‌ترین نکته‌ای که در این آیه بر آن تأکید شده است آن که هرگونه اختلاف و یا گرایش به آن، گام شیطانی دانسته و دامن زدن به آن و در مسیر آن قرار گرفتن به عنوان گام‌های شیطانی تلقی شده است. از این رو از مردمان خواسته شده تا اینگونه مسایل را دیده و تحلیل کنند که هر گونه گرایش به اختلاف و دامن زدن به آن، چیزی جز پیروی گام‌های شیطانی نیست. به سخن دیگر برای شناخت گام‌های ایمانی از شیطانی، تنها کافی است که به وجود اختلاف و یا ایجاد آن توجه شود. هرگاه امری موجب اختلاف شود و یا به آن دامن بزند گامی شیطانی است که می‌بایست از آن پرهیز کرد. چنان که هر کسی که به اختلاف دامن می‌زند و یا موجبات آن را فراهم می‌آورد را می‌بایست به عنوان دشمن و یا کسی دانست که در مسیر دشمن و اهداف او حرکت می‌کند. دشمن آشکار کسی است که اختلاف را به جای صلح و صفا به جامعه می‌آورد و امنیت و آرامش را از آن سلب می‌کند. بنابراین بهترین معیار شناخت دوست از دشمن و یا مسیر کمالی از شیطانی، اختلاف و کسانی هستند که در این مسیر حرکت می‌کنند و یا بدان دامن می‌زنند.

ناگفته نماند که در این آیه مراد از شیطان که اسم عام و جنس است فرد خاصی از آن یعنی ابلیس می‌باشد؛ زیرا ابلیس از آغاز خلقت و آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) به عنوان نخستین فرد از نوع جنی با وی دشمنی کرد و سوگند یاد کرد که نسل آدم را به دوزخ می‌برد و کاری می‌کند که از زمان پیدایش تا دم آخر آرامش و آسایش بهره‌ای نبرند و همواره در رنج و مشقت قرار گیرند. از آن جایی که ابلیس دشمن سوگند خورده و جاویدان تا روز قیامت و یا یوم وقت معلوم است به عنوان مصداق کامل از آن یاد شده است ولی این بدان معنا نیست که او خود به تنهایی از ابزارهایی چون اختلاف بهره می‌برد، بلکه دوستان و یاران همفکر و همسوی وی از جن و انسان نیز اینگونه عمل می‌کنند و تحت ولایت ابلیس فعالیت می‌نمایند.

ایجاد اختلال در روابط سالم میان افراد جامعه روشنی است که شیطان جنی و انسی از آن سود می‌برند؛ چنانکه شیطان با بهره‌گیری از این روش توانست میان برادران یوسف (علیه السلام) اینگونه نفوذ کند و آنان را به جان هم اندازد به گونه‌ای که تصمیم گرفتند که برادر خویش را بکشند و یا دست کم در چاه اندازند و سپس به برده فروشان به بهای اندک و ناچیز بفروشند.

ایجاد دشمنی و اختلاف

در آیه 91 سوره مائده به ایجاد دشمنی و کینه‌توزی به عنوان ابزار اساسی دیگر شیطانی اشاره شده و آمده است: *انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء؛ شیطان می‌کوشد تا میان شما دشمنی و کینه‌توزی ایجاد کند.*

بنابراین ایجاد بغض و کینه و دشمنی میان افراد جامعه و برادران ایمانی از مهم‌ترین روش‌هایی است که گروه‌های شیطانی و هم‌پیمانان با ابلیس از آن برای دستیابی به اهداف پلید خویش سود می‌برند.

آنان اموری ساده و غیر مهم را به گونه‌ای جلوه می‌دهند که امری مهم و ارزشی است و با تلقینات خویش می‌کوشند تا کدورت و تیرگی میان برادران ایمانی ایجاد شود و آنان نتوانند مسایل ریز و خرد خویش را دوستانه حل و فصل کنند و هر روز بر عمق اختلاف و ژرفای آن می‌افزایند به گونه‌ای که گره‌ای که با دست باز می‌شد با دندان و جنگ نیز غیرقابل حل می‌شود و هر دو شخص و یا گروه و یا جامعه در مسیر سقوط و هبوط قرار می‌گیرند.

فساد و اخلاق

ابزار دیگری که در آیه 169 سوره بقره بدان اشاره شده است ابزار فساد و اخلاق است. شیطان با بهره‌گیری از ابزارهای زشت می‌کوشد تا بر برخی از افراد جامعه مسلط شود و با یاری و کمک آنان به اهداف خود دست یابد. از این روست که به کارهای زشت و ناپسند و ناپهنجاریهای اجتماعی فرمان می‌دهد و به اصطلاح با تابو شکستن، زمینه‌های روانی را برای مهار مردمان فراهم می‌آورد. زیر پا گذاشتن قوانین و تابوهای هنجارهای اجتماع برای آن انجام می‌شود تا جامعه غیر قابل مهار بر اساس قوانین عقلانی و عقلائی شود و هر کسی، هر کاری که بخواهد به نام آزادی انجام دهد و اینگونه است که فحشا و منکرات در جامعه افزایش می‌یابد و افترا و اتهام در آن تشدید می‌گردد.

ایجاد اختلال در روابط سالم میان افراد جامعه روشنی است که شیطان جنی و انسی از آن سود می‌برند؛ چنانکه شیطان با بهره‌گیری از این روش توانست میان برادران یوسف (علیه السلام) اینگونه نفوذ کند و آنان را به جان هم اندازد به گونه‌ای که تصمیم گرفتند که برادر خویش را بکشند و یا دست کم در چاه اندازند و سپس به برده فروشان به بهای اندک و ناچیز بفروشند. (سوره یوسف، آیه 100)

سوره انعام در این روش دشمنان و شیاطین اشاره می‌کند و می‌فرماید که دشمنان با شیوه‌های افترا و بدعت و نوآوری می‌کوشند تا اشخاص یا جوامع بشری را از مسیر کمالی خود دور سازند. در این میان نقش دشمنان داخلی (هواهای نفسانی و منافقان بیرونی) از همه مهمتر و حساس‌تر است؛ زیرا آنان با حضور در لایه‌های زیرین و درونی دل و جامعه می‌کوشند همه سخنان باطل و نادرست شیطان‌های جنی و انسی را به شکل زیبا و موردپسند جامعه درآورده و مردم را فریب دهند.

بدعت

افترا بستن به خدا و رسول و یا تغییر در قوانین جامعه برای دستیابی به اهداف شیطانی خویش از دیگر کارهایی است که شیاطین جن و انس انجام می‌دهند. بدعت و نوآوری‌ها بر خلاف اصول ارزشی و ایمانی و هنجاری جامعه راهی است که دشمنان از آن سود می‌برند. از این روست که جامعه می‌بایست همواره هوشیار باشد که اشخاص یا گروه‌ها به عنوان نوآوری آنان را به سمت و سوی مقابله و مخالفت با ارزش‌ها و اصول بنیادین جامعه سوق ندهند.

خداوند در آیه 168 و 169 سوره اعراف و نیز 112 سوره انعام به این روش دشمنان و شیاطین اشاره می‌کند و می‌فرماید که دشمنان با شیوه‌های افترا و بدعت و نوآوری می‌کوشند تا اشخاص یا جوامع بشری را از مسیر کمالی خود دور سازند. در این میان نقش دشمنان داخلی (هواهای نفسانی و منافقان بیرونی) از همه مهمتر و حساس‌تر است؛ زیرا آنان با حضور در لایه‌های زیرین و درونی دل و جامعه می‌کوشند همه سخنان باطل و نادرست شیطان‌های جنی و انسی را به شکل زیبا و موردپسند جامعه درآورده و مردم را فریب دهند.

سخنان فریبنده بی محتوا

قرآن در آیه 112 سوره انعام سخن از زخرف القول به قصد غرور و فریب به میان می‌آورد؛ زخرف القول به معنای سخنان زیبا و لعاب دیده است که یا باطن آن چیزی جز زهر جوامع بشری نیست. از آنجایی که دشمن درونی و منافقان با خلق و خوی جامعه خویش آشنا هستند و گرایش‌های آنان را می‌شناسند و علائق و دلبستگی‌های آنان را می‌دانند با بومی سازی مفاهیم و نظریات دشمنان به شکل زیبا و مورد پسند جامعه می‌کوشند تا جامعه را فریب داده و آنان را به سمت و سویی که دشمنان خواسته‌اند هدایت کنند. در این روش آنان با عرقه‌سازی جامعه با مفاهیم و اصطلاحات زیبایی که دشمنان پرداخته‌اند می‌کوشند جامعه را در حالتی از گفتمان غالب قرار دهند که گریزی برای افراد جامعه نیست و جز همان سخنان را نگویند و یا نشنوند.

به سخن دیگر روش دشمنان در این حوزه برخاسته از علوم و دانش‌هایی چند به ویژه جامعه شناسی و مردم شناسی و روان شناسی اجتماعی است. روان شناسی تبلیغ به آنان آموخته است که بهترین شیوه نفوذ در روان اجتماعی جامعه عرقه سازی با مفاهیم زیبا و مورد پسند جامعه است که جامعه را در گفتمان دروغین غالبی فرو می‌برد که رهایی از آن شدنی نیست. این مطلب به صراحت در این آیه به شکل زخرف القول و وحی و غرور و فریب و وحی بعضهم الی بعض بیان شده است.

کاربرد وحی در این جا نشان می‌دهد که دشمنان به گونه‌ای به درون دل‌های دوستان داخلی خویش اطلاعات و سخنان باطل خویش را ارسال می‌کنند که دیگران از آن آگاه نیستند.

از دیگر روش‌هایی که شیاطین به کار می‌برند ترس و خوف است. به این معنا که می‌کوشند با ایجاد جنگ روانی مردمان را بترسانند تا از مواضع به حق خود عقب‌نشینی کنند. اینگونه است که ایجاد ترس از مهم‌ترین شگردهای شیطان جنی و انسی برای جلوگیری مردم از حضور در میادین سیاسی نظامی و اجتماعی است. قرآن در آیه 173 و 175 سوره آل عمران به این مساله اشاره می‌کند.

اطلاعات به شکل رمزی و محرمانه ارسال و از سوی دوستان ایشان یعنی منافقان در جامعه و هواهای نفس در انسان شخصی رمزگشایی می‌شود و به شکل مورد پسند شخص و یا جامعه بازسازی می‌شود. بسیاری از دشمنان جامعه اسلامی در گذشته و کنون از راه دانشمندان بلغم باعورا خویش که چه به ایشان توجه شود و یا نادیده گرفته شود مانند سگ، زبان بیرون می‌اندازند عمل می‌کنند و کلمات و سخنان شیرین و زیبا، بی محتوای خویش را زخرف القول می‌کنند تا جامعه ایمانی را بفریبند.

ایجاد آرزوهای واهی و فریبکارانه از دیگر ترفندها و روش‌هایی است که شیاطین برای نفوذ در جامعه ایمانی و دستیابی به اهداف خود از آن سود می‌برند. خداوند در آیه 117 تا 120 سوره نساء و همچنین 25 سوره محمد(صلی الله علیه و آله) به این ترفند دشمنان اشاره می‌کند و می‌گوید: دشمنان با تسویل و زیانمایی می‌کوشند آنچه را که زشت و ناپنجار است به عنوان هنجار و زیبا جلوه دهند و مردم را به سوی آن بکشانند.

شبهه افکنی

روش‌هایی که دشمنان در این ترفند به کار می‌گیرند برای آن است که حقایقی که از سوی پیامبران و وحی ارسال و به جامعه القا می‌شود اموری واقعاً هنجاری و پسندیده و مورد علاقه فطرت پاک انسانی است. از آنجایی که باطل و زشتی‌ها از اموری نیست که مردم به طور طبیعی بدان گرایش یابند لازم است تا آن را به شکل زیبا بسته‌بندی کنند و در بازار بفروشند. اینگونه است که باطل را به شکل حقایق زیبا جلوه می‌دهند و متاع ناچیز خویش را به بهای گران عزت و شرافت آدمی می‌فروشند. مردم در آغاز به سبب وجود بخشی زیبا و یا حقایق آن، بدان گرایش یافته و کم‌کم از فطرت خویش دور می‌شوند و به دام ولایت شیطان می‌افتند به گونه‌ای که فرهنگ و ارزش‌های شیطانی برای آنان اصالت می‌یابد. مولوی داستان این تغییر ذائقه مردم را که از طریق شبهات انجام می‌شود (شبهه یعنی شبهه حق شده) در داستان مرد دباغ، آورده است که چگونه در بازار عطر فروشان از بوی خوش عطر غش می‌کند و بی‌هوش می‌شود و هر چه عطاران بر او عطر می‌پاشند فایده و سودی نمی‌بخشد تا این که شخصی او را شناخته از بازار دباغان، چرمی بدبو را در کنار بینی او می‌گیرد و او به هوش می‌آید. کسانی که گرفتار شبهات و در نهایت در ولایت شیطان می‌روند اینگونه فطرت سالم خود را از دست می‌دهند و عطر کلام وحی و حقایق آسمانی و هنجارهای زیبای اجتماعی و اخلاقی حال ایشان را به هم می‌زند. از دیگر روش‌هایی که شیاطین به کار می‌برند ترفند ترس و خوف است. به این معنا که می‌کوشند با ایجاد جنگ روانی مردمان را بترسانند تا از مواضع به حق خود عقب‌نشینی کنند. اینگونه است که ایجاد ترس از مهمترین شگردهای شیطان جنی و انسی برای جلوگیری مردم از حضور در میادین سیاسی نظامی و اجتماعی است. قرآن در آیه 173 و 175 سوره آل عمران به این مساله اشاره می‌کند.

ایجاد ترس در جامعه ایمانی تنها در منافقان که دوستان و اهل ولایت شیطان هستند تاثیرگذار می‌باشد و در خود مومنان تاثیری ندارد. از این روست که خداوند در این آیه از ایجاد ترس از سوی شیطان در دوستان خود که تحت ولایت اویند توجه می‌دهد؛ زیرا ترس در منافقان از سوی شیطان موجب می‌شود که آنان تحت تاثیر قرار گرفته و جامعه ایمانی را در حالت بحران روحی و روانی قرار دهند و این ترس خود را به دیگر افراد جامعه که سست ایمان‌تر هستند القا کنند.

البته ناگفته نماند که ایجاد ترس در جامعه ایمانی تنها در منافقان که دوستان و اهل ولایت شیطان هستند تاثیرگذار می‌باشد و در خود مومنان تاثیری ندارد. از این روست که خداوند در این آیه از ایجاد ترس از سوی شیطان در دوستان خود که تحت ولایت اویند توجه می‌دهد؛ زیرا ترس در منافقان از سوی شیطان موجب می‌شود که آنان تحت تاثیر قرار گرفته و جامعه ایمانی را در حالت بحران روحی و روانی قرار دهند و این ترس خود را به دیگر افراد جامعه که سست ایمان‌تر هستند القا کنند. از این روست که در مجمع البیان ج 1 و 2 ص 888 و نیز کشاف ج 1، ص 443 در شان نزول این آیه گفته‌اند که آیات یاد شده درباره عمل نفاق گونه نعیم بن مسعود است که از سوی ابوسفیان مامور شد تا در دل مسلمانان ترس ایجاد کرده و آنان را از شرکت در جهاد با مشرکان باز دارند.

از دیگر شگردهای شیطان می‌توان به ایجاد شبهه و شک و تردید در امور اعتقادی و بنیادین دینی و اصول ارزشی جامعه (زخرف آیه 61 و 62) افزایش ناپنجاری‌های اجتماعی و تشییع فحشا و منکرات (بقره آیات 168 و 169 و 268 و نور آیه 21) همانند قمار (مائده آیه 90 و 91) گفتارهای زشت و ناپسند (اسراء آیه 53) و نجواها و انجمن‌های زیرزمینی (مجادله آیه 10) و خمر و شراب‌نوشی و میگساری (مائده آیه 90 و 91) و افزایش خرافات و امور دور از عقل و عمل عقلایی (نساء آیات 117 و 119) و نیز تذبذب و ریخت و پاش و کاهش بهره‌وری و افزایش اسراف (اسراء آیه 27) تا جامعه دچار بحران اقتصادی شود و نیز اموری از این دست اشاره کرد.

پی‌نوشت:

1- المصباح، ج 1 و 2، ص 313 و مفردات راغب، ص 454، ذیل ماده شطن)

منبع:

روزنامه کیهان، 11 تیر، 87، حسین مرادی .